

معنی درس چشمه معرفت فارسی هفتم

✓ معنی و آرایه ها:

♦ بند اول : ص ۱۸

کنجکاوی : پرسشگری

کشف کردن : پیدا کردن

(نوجوانی ، کنجکاوی ، خستگی ناپذیری) و (فراگرفتن، فهمیدن، کشف کردن) مراعات نظیر دارند.
سر زدن : کنایه از دیدار و بازدید

♦ بند دوم ص ۱۸

نگاه های کنجکاوانه : دقیق

نگاه های تشنه : تشخیص

درس بزرگ طبیعت : تشبیه

گوش، چشم ، دل ، روح : مراعات نظیر یا تناسب

گوش و چشم دادن : بادقت گوش دادن و با دقت نگاه کردن

دل دادن : عاشق شدن و کنایه از با تمام وجود توجه کردن

روحم چنان غرق فهمیدن بود : روح و جانم لبریز درک کردن بود

روحم از هیجان می لرزید : تشخیص

چشمه های معرفت : تشبیه

سر باز کردن : جاری شدن

چشمه های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد : تمام وجود پر از معرفت و شناخت خدا خواهد شد

آب های زلال و .. فهم و دانایی : تشبیه

آب ، سرد، زلال، گوارا : مراعات نظیر

کلاس شگفت آفرینش : تشبیه

عظمت و جلال : مترادف

♦ بند سوم ص ۱۸

غرقه : محو ، مبهوت

نوازش لطیف آب : تشخیص

آب ، جوشش ، چشمه ، لطیف ، خنکی : تناسب

♦ بند چهارم ص ۱۸

روح مذاب : اشاره به جاری و روان بودن آب که مانند روح ، صفت زندگی بخشی دارد

تشبیه آب به روح

آب می رفت : تشخیص

دهان خشک زمین : تشخیص

نگاه های پژمرده ی درختان : تشخیص

درخت تشنه : تشخیص

رگ های خشکیده جوی های مزرعه : تشبیه

کوچه باغ های مرده : تشخیص

♦ بند اول ص ۲۰

سبزه ها و کشته های سیراب : تشخیص

شاخه ی دست : اضافه تشبیهی

دعا می کردند : تشخیص

اشاره به بیت مولوی:

این درختانند همچون خاکیان / دست ها بر کرده اند از خاکدان

با زبان سبز و ...

گوش نسیم : تشخیص

آمین : درخواست اجابت دعا

آمین می گفتند : تشخیص

باغ و صحرا و درخت و بوته : تناسب
 رفاقت و خویشاوندی با ساقه ها : تشخیص
 عظمت و بزرگی : مترادف

♦ بند دوم ص ۲۰

نسیم مانند مادری مهربان : تشبیه
 ادب می آموزد : تشخیص
 کودکان : استعاره از گیاهان
 کودک ، جوان ، نوزاد : تناسب
 تشبیه نهالها به نوجوان و بوته ها به نوزاد
 احترام و وداع نهال ها : تشخیص
 خم شدن سر بوته ها برای وداع : تشخیص
 سبزه های معصوم : تشخیص
 تشبیه برگ سبز درختان به کتابی برای خدانشناسی
 برگ درختان، نظر هوشیار، ورقش : ترکیب اضافی
 درختان سبز : ترکیب وصفی

✓ بررسی روان خوانی « # کژال »

کژال، داستان کوتاهی است از خانم طاهره ایبد. درون مایه این داستان بر مقاومت و ایستادگی در برابر تهاجم بدخواهان و جان فشانی کردن برای حفظ خانه و هم نوع و سرزمین و دفاع از هستی انسان، تأکید دارد.

✎ زاویه ی دید این داستان ، روایت به شیوه ی سوم شخص مفرد است.

♦ شخصیت ها:

- ۱- کژال : مادری که کودک شیرخواره در آغوش دارد و برای دیدن عمه کابوک روانه می گردد.
- یادآوری : کژال در زبان کردی به معنی دختر زیبا و رعنا و چشم عسلی است . گویا با واژه غزل و غزال از دید ریشه شناسی، پیوندی دارد.
- ۲- روناک : کودک شیرخوار و دختر قنداقه ی کژال.
- ۳- گرگ : که بر سر راه کژال نمایان می شود و کودک قنداقه ی کژال را می رباید.
- ۴- هه ژار : شوهر کژال که در داستان حضور ندارد و فقط این کژال است که در برابر گرگ فریاد می زند و او را به کمک می طلبد.
- ۵- آزاد : جوان کشاورز روستایی که به کمک کژال می آید و پنجه در چنگال گرگ می افکند و با او درگیر می

شود و پس از مدتی درگیری با آن ، سرانجام گرگ را از پا درمی آورد ، هرچند که خود نیز زخم فراوان دارد و نفس هایش به شماره می افتد اما روناک را نجات می دهد.

✦ نثر داستان ، یک دست و روان است . نویسنده در چند مورد از گویش کردی بهره گرفته است.

♦ طاهره ایبد:

متولد دی ماه ۱۳۴۲ شیراز است. کتاب های داستانی ایشان:

۱- باغچه توی گلدان

۲- به هوای گل سرخ

۳- خانواده آقای چرخشی

معنی کلمات چشمه معرفت فارسی هفتم

لپ : گونه

قُنداقه : پارچه ای که نوزاد را در آن می پیچند

روله : فرزند به زبان کردی

گالش : نوعی کفش قدیمی زنانه (کفش لاستیکی)

خیش : وسیله ای برای شخم زدن، گاو آهن

پاره ی تن : فرزند عزیز(کنایه)

مویه : گریه کردن مویه کنان : گریه کنان

زار زدن: گریه کردن

دایه : مادر

هراسان : ترسان

دندان برسر دندان ساییدن: کنایه از خشمگین بودن

خُرناسه : صدایی که در حالت خواب از گلو بیرون می آید.

مَعْطَل : منتظر، بی کار، بلا تکلیف

مَجَال : فرصت، وقت لازم

رُل زدن : خیره شدن

پا برهنه : بدون کفش

تَقْلا : کوشش، تلاش

هق هق : صدای بریده بریده ی گریه طولانی

خشکش زد : مات و مبهوت شد.

معنی کلمات روان خوانی کژال فارسی هفتم

بغل زد: بغل کرد

دهکده: منظور مردم دهکده

لپ: گونه

قنداقه: پارچه ای که نوزاد را در آن می پیچند.

روله: فرزند، عزیز

گالش: کفش

پی: به دنبال

خیز: پریدن

تن کژال مثل علفی در باد می لرزید: تشبیه

خیز کرد: پرید

گرگ دستهایش را مثل تیغه داس در هوا می چرخاند: تشبیه

تیرک: ستون

خاکم به سر: ضمیر میم در اینجا بخاطر نوع گویش جابجا شده است، خاک به سرم

خیش: گاواهن

خیش می کشید: شخم می زد، می خراشید

مویه: شیون، ناله، زاری

روناک مثل بره ای دست هایش را در هوا تکان می داد: تشبیه

کوبیدند: ضربه زدند، زخمی کردند

معطل نماند: صبر نکرد

درهم پیچید: گلاویز شد

بدرد: پاره کند

مجال: مهلت

قوه: توان، نیرو

تقلا: دست و پا زدن

.....



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد